

کارکرد وحدت آرمانی در تحقق وعده‌های الهی
(مطالعه موردی: انقلاب اسلامی)
محمدجواد توکلی خانیکی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

چکیده:

وحدت از آموزه‌های قرآنی است که تحقق برخی از وعده‌های الهی منوط به شکل یافتن آن در جامعه اسلامی عنوان گردیده است. با این‌که قرآن کریم به وحدت فرمان داده و از تفرقه بازداشته است، ولی در عمل این حقیقت محقق نشده و تفرقه و عدم اتحاد در میان امت اسلامی از آغاز تا کنون وجود داشته است. این مقاله با هدف بررسی کارکرد وحدت آرمانی در تحقق وعده‌های الهی با محوریت تکامل انقلاب اسلامی به روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته و با تطبیق عملکرد اهل بیت علیهم‌السلام با فرامین قرآن، تعریف جدیدی از نحوه‌ی پیاده‌سازی وحدت در امت اسلامی ارائه داده است. نتیجه این‌که: الف) برای حصول وحدت به سه رکن اجتماع، منشور مورد اتفاق و رهبر و محور وحدت نیاز است. که نسبت به جامعه مخاطب آن به اشکال مختلف و لایه‌های متعددی قابل تقسیم است. و نیز بنا به زمان و شرایط ممکن است حتی نوع خاصی از آن در حال اضطرار مختلف باشد، اما گمان می‌رود آنچه متناظر با حصول وعده‌های الهی در قرآن است، نوع خاصی از وحدت ایمانی است که به آن وحدت آرمانی اطلاق گردید. رهبری در اتحاد ایمانی، و پیشبر اهداف اصلی آن نقش بی بدیلی ایفا می‌کند. ب) وحدت آرمانی دستوری الهی که اجرای آن رضایت او را به دنبال دارد و منجر به حصول توفیقات گوناگون مؤثر در ارتقاء جامعه و باعث کیفیت بخشی به کارکردهای انقلاب اسلامی می‌شود. سپس با استمرار آن وحدت موجبات استمرار نظام اسلامی فراهم می‌شود.

واژگان اصلی: بیابیه وحدت، ولایت، وحدت ایمانی، امت اسلامی، استمرار نظام اسلامی.

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

اتحاد امت اسلام از آرمانهای بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی است؛ زیرا در پرتو اتحاد امکان تحقق بعضی وعده‌های الهی فراهم می‌شود. از جمله‌ی این وعده‌ها، وعده‌ای است که خداوند در آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (اعراف: ۹۶) بر عهده گرفته است و ایمان و تقوا را کلید بهره‌مندی از برکات الهی و همه‌جانبه دانسته است. برخی تفاسیر این ایمان و پارسایی را موجب برکاتی دانسته‌اند که حاصل وحدت مسلمانان و پابندی آنان به آموزه‌های دین اسلام قلمداد شده و پارسایی را عامل از میان رفتن تفرقه معرفی کرده‌اند. این درحالی است که واقعیت موجود خلاف آن را حکایت می‌کند. تفسیر و برداشت نادرست از آیه، از درک معنای «ما أراد الله به» مانع گردیده و عدم بهره‌مندی از سنت و سیره‌ی پیامبر صلی‌الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام باعث کج‌فهمی و ایجاد تفرقه شده است. نکته‌ی قابل تأمل این که عدم توفیق به دلیل برداشت و تفسیر اشتباه از امر قرآن و سنت رسول‌خدا صلی‌الله علیه و آله و عترت پاک او مانع ارائه راهکار لازم به امت اسلامی شده و در میدان عمل، اوامر الهی و سنت نبوی عقیم مانده است. این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که: وحدت آرمانی در تحقق وعده‌های الهی که تکامل انقلاب اسلامی از مصادیق آن است چه کارکردی دارد؟ به نظر می‌رسد وحدت آرمانی منوط به سه رکن اجتماع، منشور مورد اتفاق و رهبر و محور وحدت است. با انسجام این سه رکن انقلاب اسلامی که از مهمترین رویداد جهان معاصر است محقق شده است. و در موارد مشابه و حرکتهای ظاهرا غیرممکن با وحدت می‌توان هر آرمانی را تحقق بخشید. نیز وحدت می‌تواند لذا باید لوازم و شرایط تحقق وحدت در قرآن و مسائل و جریان‌های تفرقه‌زا و آثار شوم آن مورد مذاقه قرار گیرد؛ و با توجه به نتایج آن، گفتمان وحدت آرمانی عملیاتی شود. تا از این رهگذر تفرقه و راههای مبارزه با آن به جامعه شناسانده شده؛ وحدت آرمانی محقق و برکاتش آشکار شود تا تکامل انقلاب اسلامی رقم بخورد.

این پژوهش بر آن است با محور قرار دادن مفهوم وحدت در قرآن، برکات آسمانی و زمینی و زوایای پیدا و پنهان آن را مشخص نماید. شایان ذکر است که بسیاری از وعده‌های اجتماعی قرآن در پرتو وحدت عملی می‌گردد؛ و بیان عملکرد اهل‌بیت علیهم السلام که مفسران حقیقی کتاب خدایند راه را برای ریشه‌یابی تفرقه موجود آشکار می‌سازد. امت اسلامی در سایه اتحاد از برکات آسمانی و زمینی در غلبه بر مشکلات مهم فرهنگی و اقتصادی بهره‌مند می‌شود.

حسب احصاء نگارنده پیرامون وحدت مقالات و مقولات فراوانی تولید شده است؛ که وجوه

مختلف وحدت را بررسی کرده‌اند. از جمله نگاه وحدت آفرین امامین انقلاب، وحدت از نگاه اندیشمندان مؤثر در جوامع مختلف، نگاه حضرت علی(ع) به این مقوله، نگاه قرآن به وحدت، وحدت شیعه و سنی، وحدت و بیداری اسلامی، زمینه‌ها و مؤلفه‌های وحدت و دیگر زوایای بحث مورد کنکاش قرار گرفته که پیشینه بحث محسوب نمی‌شوند و در مواردی ممکن است جزء منابع مورد استفاده در نگارش مقاله باشند. اما با رویکرد این مقاله بیانی وافی و حتی عنوانی مشابه وجود ندارد؛ که به عنوان پیشینه مطرح شود. لذا این عنوان مسبوق به سابقه نیست؛ و این وجه امتیاز مقاله حاضر بر سایر نگاه‌های با موضوع وحدت است.

۱. مفهوم وحدت

وحدت را در لغت به معانی متعددی از جمله همبستگی، یگانه شدن، یکتایی، یگانگی. افراد و تنهایی و اتحاد ترجمه کرده‌اند (ذیل کلمه وحدت، لغت‌نامه دهخدا، معین و عمید). ولی مفهوم اجتماعی آن غیر از معنای لفظ وحدت است. گاهی وحدت، با رویکرد انگیزه تحقق آن مد نظر است. حضرت امام خمینی رحمه الله علیه فرموده‌اند: «بزرگ‌ترین منکر، غلبه اجانب بر ماست، این منکر را باید نهد، حکومت‌ها را نهد، مخالفتی که با هم دارند و با ملت دارند؛ با دشمنان اسلام که خدا فرموده مراوده نکنیم دقت شود، الآن منکری بالاتر از این نیست که مصالح مسلمین را به خطر انداخته است، این وظیفه همه شماست، که می‌خواهید برای خدا کار کنید، همه ما باید این دشمنی را نهدیم و وحدت اسلامی را شعارمان کنیم با وحدت و زیر پرچم لاله الا الله» (خمینی، ۱۳۷۸ش، ج ۶، ۱۱۶)

در این کلام، تعریف وحدت بر اساس قاعده‌ی نفی سبیل صورت گرفته است و مخاطب آن گرچه می‌تواند امت اسلامی تلقی شود اما به طور ویژه توصیه به کشور و یا کشورهای اسلامی است که در مقابل بیگانگان وحدت داشته باشند.

شهید مطهری می‌گوید: «مخالفین اتحاد مسلمین، برای اینکه از وحدت اسلامی، مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول، با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب، و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آن‌ها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و نه عملی، نیست. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان» (مطهری، ۱۳۷۲ش، ج ۲۵، ص ۲۹) از دیدگاه این متفکر اسلامی، وحدت امت به معنای یکی شدن در برابر دشمن مشترک معنا شده است. همین‌طور جامعه‌شناسان آن را به صورتی

ویژه تعریف کرده‌اند، سیاستمداران از استخدام این کلمه، هدفی معین را در نظر داشته‌اند، متفکران و ایده‌پردازان مفهوم و معنای دیگری را اراده کرده‌اند و رهبران دینی و مذهبی به شکلی خاص به آن عنایت داشته‌اند. گرچه همگی از کلمه‌ی وحدت و مترادف‌های آن مانند اتحاد، ائتلاف، وفاق، انسجام و امثال آن، نهایتاً همان معنای مترادف با همبستگی در بعد اجتماعی آن را در نظر داشته‌اند که در مقابل تفرقه، تشتت و پراکندگی جمعیت‌ها و اجتماعات انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما در این بین، هدف، مرام‌نامه، قوانین، حدود و ثغور این همبستگی، اهرم‌های پشتیبانی عواطف جمعی و گروهی به کار گرفته‌شده و موارد دیگر ملزومات و الزامات وحدت مد نظرشان با یکدیگر متفاوت و مختلف بوده است.

۲. اساس وحدت

روایاتی در منابع روایی آمده است که در آنها، صبر و شکیبایی امام علی علیه السلام به دلیل حفظ سیطره‌ی نظام حاکم و وحدت جامعه در پیروی از خلافت زمامداران و جلوگیری از جنگ داخلی و تضعیف حکومت مرکزی در مقابل قبایل تازه مسلمان سست ایمان و از دین برگشتگان و قدرت‌های خارجی تفسیر و بیان شده است. از مجموع این روایات به سه نمونه از سخنان آن امام همام بسنده می‌شود: «فکتب الیه (معاویه) علی علیه السلام: ..من عبد الله علی أمير المؤمنين إلی معاویة بن أبی سفیان: ... وقد کان أبوک أتانی حین ولی الناس أبابکر فقال: أنت أحق بعد محمد صَلَّى الله علیه وآله بهذا الأمر، وأنا زعیم لک بذلک علی من خالف علیک، بسط یدک أبایعک، فلم أفعل و أنت تعلم أن أباک قد کان قال ذلک و أراده حتی کنت أنا الذی أبيت، لقرب عهد الناس بالکفر، مخافة الفرقة بین أهل الإسلام ...» (منقري، ۱۳۸۲ق، ص ۹۱) (امیرمؤمنان علی علیه السلام در پاسخ نامه‌ی معاویه در فرازی مرقوم فرمودند: از امیرمؤمنان علی علیه السلام به معاویه فرزند ابوسفیان: ... و هنگامی که ابوبکر حکومت بر مردم را گرفت پدرت به نزد من آمد و گفت: برای این امر حکومت، پس از محمد صَلَّى الله علیه وآله تو سزاوارتر هستی و من عهده‌دار یاوری تو در آن علیه مخالفانت می‌شوم، دستت را بگشا تا بیعت کنم. من خودداری کردم و تو می‌دانی که پدرت این را گفته بود و خواستار هم بود، ولی این من بودم که نپذیرفتم بخاطر نزدیکی زمان مردم به کفر و ترس از تفرقه بین اهل اسلام...) این‌گونه اخبار دستمایه‌ای برای نقد، بررسی و تحلیل‌های افرادی شده که در نگرش به عملکرد عترت و فرامین قرآن، جامع‌نگری کافی به خرج نداده‌اند و همه‌ی اخبار را در کنار هم به موازنه نگذاشته‌اند.

یکی از پژوهشگران معاصر درباره‌ی عدم پافشاری امام علی علیه السلام در مخالفت با زمامداران که مستند به مفهوم چنین اخباری است، چنین نگاشته است: از مظلومیت‌های ناشناخته امام علی علیه السلام مجهول بودن نقش مقام او در وحدت اسلامی است. امام علی علیه السلام که قهرمان وحدت اسلامی است معمولاً بعنوان چهره‌ای شناخته می‌شود که وجودش مایه اختلاف و جدایی دو شاخه بزرگ شجره طیبه امت اسلامی یعنی تسنن و تشیع است... اینجا سخن از ریشه اختلافات مذهبی و یا ابعاد و وجوه آن نیست. بلکه قصد آن است گفته شود همه این اختلافات در نهایت به مسأله حق خلافت علی بن ابیطالب علیه السلام باز می‌گردد، به گونه‌ای که در طول تاریخ در ذهن مسلمانان _ اعم از شیعه و سنی _ از آن قهرمان وحدت چهره‌ای ساخته شده که خواسته یا ناخواسته مایه تفرق و پراکندگی جمع مسلمین شده و همه این اختلافات به نام او و جدال در اثبات اولویت او ثبت شده است و این بزرگترین ستم بر کسی است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بزرگ‌ترین نقش را در حفظ وحدت اسلامی داشته است... (رضوی، سعید، «یگانگی امت اسلام در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام»، روزنامه همشهری، ۲۸ / ۱۰ / ۷۶، ص ۹) نویسنده وحدت امت اسلامی را همپایه توحید دانسته که حتی احکام شرعی دیگر را نقض می‌کند، چرا که ضامن بقا و پویایی جامعه اسلامی است. اگر منظور از وحدت، همان پیروی از حجت خدا و جانشین برگزیده رسول خدا باشد، آن را مطابق مجموع معارف تذکر داده شده، می‌توان به شمار آورد، اما آنچه مورد نظر نویسنده بوده، یک‌پارچگی سیاسی مردم و عدم اعتراض آنها به حکومت‌ها و به فراموشی سپردن بنیان‌های اعتقادی است و اینکه این موضوع را ضامن بقا و پویایی امت اسلامی دانسته، در تعریف وحدت جامعه‌ی آرمانی ایمانی نمی‌گنجد.

ظلم بزرگ بر امام علیه السلام آن است که گرد آمدن بر غیر او را وحدت دانستند و حق بزرگ او و جایگاه ویژه‌اش را در اسلام نشناختند و او را نیز مانند دیگران، تنها شخصی با امتیازات خاص به حساب آوردند. نه تنها امام علیه السلام شخصی با شجاعتی بی‌نظیر و علمی ژرف و ایمانی بزرگ بوده است، بلکه او تنها شخصی است که خداوند او را برای خلافت خویش و فرستاده‌اش برگزیده و مبلغ از رسولش قرار داده و جز با اطاعت از او دینی برقرار نیست. چطور پیشوایی او مهمترین دلیل اختلاف است، در حالی که جز او وسیله‌ای برای وحدت مورد رضای خدا نیست. وقتی امامتش را باعث انشعاب در اسلام می‌توان قلمداد کرد که اسلام را چیز دیگری جز پیروی از او دانست. در حالی که غیر از اطاعت و قبول ولایت او عملاً اسلامی باقی نمی‌ماند و پیروی از پیشوایی جز او با هر نام و

نشانی که داشته باشد و هر سابقه‌ای که از خود برجای گذاشته باشد، چون از سوی خدا نیست ملازم وحدت و اتحاد منجر به تحقق وعده‌های خداوند نمی‌گردد.

اگر اتحاد بر غیر او وحدتی دینی تلقی شود، امام علیه السلام را می‌توان مسبب تفرقه دانست. در حالی که او و فرزندان معصومش علیهم السلام تنها شعار و موضوعی هستند که ائتلاف بر گرد و بر محور آنان، وحدت مورد رضای خداست و غیر آن جز هماوایی بر آراء و تصمیمات بشری چیز دیگری نیست.

خبر دیگری در منابع روایی نقل شده است که حاوی دو مفهوم بسیار مهم است. نخست امیرمؤمنان بخشی از برکات وحدت حول برگزیده‌ی الهی را عنوان می‌فرماید و سپس بیانی دارند که مفهوم آن منجر به تلقی نادرست از وحدت شده است که ناگزیر آن را باید با اخبار دیگر مد نظر قرار داد.

«عمر بن واثله قال: كنت على الباب يوم الشورى، فارتفعت الأصوات بينهم، فسمعت علياً عليه السلام يقول: أيها الناس الله الله في أنفسكم، إنها والله الفتنة العمياء الصماء البكماء المقعدة، إلى متى تعصون الله، أما تعلمون أنه ما من نفس تقتل ظلماً أو يموت جوعاً و ما من ظلم يكون بعد اليوم أو جور أو فساد في الأرض إلا و زر ذلك علي من رد الحق عن أهله، وأنا والله أهله والله ما الدنيا أريد و لقد علمت أنكم لن تفعلوا، ولن تستقيموا، ولن تجمعوا علي، لكني أحتج عليكم، وأقيم المعذرة إلى الله عزوجل بيني وبينكم، بايع الناس أبابكر، وأنا والله أحق و أولى بها منه، لكنني خفت رجوع الناس علي أعقابهم لما رأيت من طمع المنافقين في الكفر ثم جعلها أبوبكر من بعده لعمر، فخفت آخراً ما خفته أولاً،...» (قاضی مغربی، ۱۴۱۴، ج ۲، ۱۸۵، ح ۵۲۹) عامر بن واثله گفت: در روز شوری من بر درب خانه بودم که صدای گفتگوی آنان بلند شد، پس می‌شنیدم امام علی علیه السلام می‌فرمود: ای مردم، شما را به خدا، خویشان را در نظر بگیرید _ و به هلاکت نیاندازید _ امر حکومت گرفتاری و امری خطرناک، کور، کر، گنگ و زمین گیر است. تا کی خداوند را نافرمانی می‌کنید، آیا نمی‌دانید که هیچ نفسی به ستم کشته نمی‌شود یا از گرسنگی نمی‌میرد و نه هیچ ستم و فساد در زمین پس از این صورت نمی‌گیرد جز اینکه بار سنگین گناه آن بر دوش کسی است که حق حکومت را از اهلش دور کند، و بخدا سوگند من اهل آنم و بخاطر دنیا خواستارش نیستم. و خوب می‌دانم که شما آن را به من نمی‌سپارید و به راه راست نمی‌روید و بر من اتفاق نظر ندارید ولی حجّت و دلیل را بر شما تمام کردم و عذر خویش در نزد خدای متعال بین خود و شما برپای داشتم. مردم با ابوبکر بیعت کردند در حالی که بخدا سوگند من سزاوارتر و شایسته‌تر به آن بودم از او، ولی وقتی تصمیم منافقین

را برای کافر ساختن مردم دیدم، ترسیدم مردم به گذشته خویش برگردند، سپس ابوبکر آن را برای عمر قرار داد، در مورد او نیز همان چیزی را ترسیدم که در مورد اولی بیم داشتم... .

امیرمؤمنان در فحوای کلام خود اشاره می‌فرماید که از برکات اتحاد حول محور و ریسمان الهی، برچیده شدن ظلم، فقر و فساد از روی زمین است. و همچنین تبعات روی دادن چنین مظالمی بر کسانی است که این اتحاد را برهم می‌زنند. آنان که احتمال خطر از سوی ایشان بسیار جدی‌تر و فراگیرتر بود، افرادی از اطرافیان رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند که به طمع حکومت، خواستار محو اهل بیت او و منحرف کردن شریعت الهی ایشان به دلخواه خود بودند. امام علیه السلام برای مقابله با آنان همراه و همکاری پیدا نکرد و از ترس برگشت مردم به جاهلیت سکوت نمود و اهل بیت را حفظ کرد.

و نیز در نامه‌ی امام علیه السلام است که در کوفه و ایام زمامداری ایشان نگاشته شده آمده است: «فَلَمَّا رَأَيْتُ رَاجِعَةً مِنَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ مِنَ الْإِسْلَامِ تَدْعُو إِلَىٰ مَحَوِّ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَشِيتُ أَنْ أَنَا لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ أَرَىٰ فِيهِ ثُلْمًا وَ هَدْمًا تَكُونُ الْمُصِيبَةُ عَلَيَّ فِيهِ أَعْظَمَ مِنْ قُوَّةِ وِلَايَةِ أُمُورِكُمْ الَّتِي إِنَّمَا هِيَ مَتَاعُ أَيَّامٍ قَلِيلٍ، ثُمَّ تَزُولُ وَ تَتَفَشَّعُ كَمَا يَزُولُ وَ يَتَفَشَّعُ السَّحَابُ، فَتَهْضُمُ مَعَ الْقَوْمِ فِي تِلْكَ الْأَحْدَاثِ، حَتَّىٰ زَهَقَ الْبَاطِلُ وَ كَانَتْ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ إِنْ زَعَمَ الْكَافِرُونَ». (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۶۲؛ ابن قتیبه، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۳؛ ابن طاووس، ۱۳۷۰،

ص ۱۸۰؛ ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۳۱۰؛ طبری شیعی، ۱۴۱۵، ص ۴۱۷) (چون گروهی را دیدم که از مسلمانان برگشته و در حقیقت از اسلام برگشته و کافر شده و مردم را به نابود ساختن دین محمد صلی الله علیه و آله و آیین ابراهیم علیه السلام دعوت می‌کنند، ترسیدم اگر اسلام و اهلش را یاری نکنم، باید شاهد رخنه و خرابی در آن باشم که در آن صورت مصیبت آن، بر من بزرگتر است از غضب شدن ولایت امور شما؛ چون حکومت بر شما، کالای چند روزه‌ای بیش نیست که از بین می‌رود و پراکنده می‌شود، همچون ابری که در آسمان از بین می‌رود و پراکنده می‌شود. بناچار در آن بدعتها و آن اقدامات شوم و حرکت‌های کفرآمیز با قوم خود به مخالفت آنها برخاستم؛ تا اینکه باطل از میان رفت و کلمه‌ی خدا است که همیشه و هر جا برتر است و کافران نمی‌دانند). حقیقت آن است آنان که خلافت و حکومت را غضب کردند و با تلاش در جهت حذف معنوی و عینی عترت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله از اسلام و جامعه مسلمانان، در صدد محو حقیقت دین رسول الله صلی الله علیه و آله و بازگشت شرک و جاهلیت بودند؛ در این برهه یاری

حضرت نسبت به اسلام و اهل آن، همان حفظ جان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله و شیعیان آن بزرگواران بر اساس وصیت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بوده است و نه همراهی با حکومت برای جنگ با مرتدین. چنانکه در اخبار آمده است که امام علیه السلام با حکومت در خصوص مرتدین همراهی نداشت.

نهضت و قیام حضرت همراه خاندان و شیعیانش، برای مخالفت با غاصبان و مرتدان عبارت بود از: بیعت نکردن با زمامدار تا آنجا که او را تهدید به قتل کردند، احتجاجات مکرر با غاصبان، مخالفت با غصب فدک، دفاع دختر پیامبر صلی الله علیه وآله از صاحب ولایت، مخالفت‌های آشکار حضرتش علیه زمامدار و... که باعث شد حق برای اهل آن تا همیشه تاریخ چهره بنماید و نقاب از روی نفاق و کفر برداشته شود. آنچه از دست رفتش مهم‌تر از پایمال شدن حق حکومت امیرمؤمنان علی علیه السلام بود، بی‌تردید وجود مقدس خود آن بزرگوار و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله بوده است. در نتیجه در کلام ایشان به خطر افتادن جان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله همان رخنه و خرابی در دین است. زیرا اسلام و اهلیش آنان بودند و اگر حضرت یاورانی می‌داشت موظف بود تا علیه زمامداران که برخی گمان می‌کنند مورد تأیید حضرت بوده‌اند، قیام فرماید و خلافت را از آنان بازپس گیرد و عملکرد ایشان دقیقاً به همین صورت است.

از آن‌چه گذشت روشن می‌گردد که ولایت اساس وحدت است. اما بیشتر مصلحان و کنشگران اجتماعی در تعریف عملکرد اهل بیت علیهم السلام و به ویژه امام علی علیه السلام در خصوص وحدت اسلامی دچار خلط مباحث و اشتباه برداشت و تفسیر نادرست از کلمات و بیانات ایشان شده‌اند و با تطبیق نادرست شرایط دوره‌های مختلف و اختصاصات و وظایف معصومین علیهم السلام در مواجهه با امور مرتبط با امروز جامعه به نتایج نادرستی رسیده‌اند. آن‌چه نمایان است میان جامعه‌ی متحد ایمانی که موجب جلب وعده‌های الهی می‌گردد با آن‌چه در حالت اضطرار رخ می‌نماید یا انواع دیگر از لایه‌های وحدت در نوشتار یا عملکرد کنشگران اجتماعی خلط موضوع پیش آمده است.

۳. وعده الهی

خداوند متعال در آیه (وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (اعراف: ۹۶)؛ «و اگر ساکنان آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و

پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً برکت‌ها را از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که مرتکب می‌شدند [به عذابی سخت] گرفتیم». در قبال صورت یافتن موضوع و انجام امری از سوی مردم، انجام وعده‌ای را نوید می‌دهد، اما بلافاصله عدم تحقق موضوع مطرح شده را از سوی امت‌های گذشته اعلام می‌فرماید و مردم را مستوجب و مستحق مبتلا شدن به سنت‌های جعل شده از سوی خود قلمداد می‌فرماید. مفاد کلام الهی نشان از آن دارد که آنچه امروز بر مردم جوامع می‌رود، نتیجه‌ی همان عدم التزام به شرط خداوند برای تحقق وعده‌ی آسمانی اوست و چاره برون‌رفت از این گرفتاری و مصیبت، بازگشت به انجام امری است که تحقق وعده‌ی الهی در گرو انجام آن از سوی مردم جامعه عنوان شده است.

شرط بیان شده برای تحقق وعده الهی در آیه‌ی شریفه دو موضوع است (آمَنُوا وَ اتَّقُوا)؛ نخست: ایمان مردم، دوم: پرهیزکاری و تقوا! اما آیه‌ی شریفه در عین روشنی مفاد و مفاهیم آن، دارای ابهاماتی است: آیا برای تحقق وعده‌ی نخست، ایمان قاطبه و همگی ساکنان یک شهر و آبادی لازم است یا اکثریت آنان هم مؤمن باشند این شرط محقق شده است؟

موضوع ایمان چیست و دایره‌ی آن تا کجاست؟ چه این‌که روایات میان اسلام و ایمان تفاوت قائل شده‌اند.

محدوده‌ی جغرافیای آبادی‌ها (قُری) چقدر است؟ مثلاً دو شهر نزدیک هم، اگر یکی شرط مذکور را عمل کرد و دیگری مخالفت ورزید، آیا باز در تحقق آن مشکلی رخ خواهد نمود؟

آیا منظور از مردم، عموم مردم فارغ از حکومت و نظام حاکم بر آن‌هاست یا شامل آن نیز هست؟ شرط دوم که تقوا بیان شده، محدوده‌ی آن کجاست؟ موضوع و محمول تقوا در چه مواردی است؟ در مورد امور اجتماعی است یا شخصی؟ یا هر دو مورد نظر بوده است؟ رخصت‌های آن تا کجاست؟ تقوای قلبی و اعتقادی مد نظر بوده یا عملی و رفتاری؟ یا هر دو؟ و بسیاری سؤالات دیگر که نشان می‌دهد آیه‌ی شریفه محتاج توضیح از سوی آگاهان به علم قرآن و بیان مفسران آیات دارد. در اخبار مرتبط با شخصیت آسمانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و روایات نقل شده از ایشان، عبارتی وجود دارد که به نحوی با آیه‌ی شریفه مرتبط به نظر می‌رسد.

از آن‌جا که حضرت فاطمه علیها السلام از سوی پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در حدیث شریف ثقلین، عدل و همتای قرآن معرفی شده و گفتار، رفتار و کردار او، ترجمان و تفسیر آیات الهی عنوان گردیده، این خبر برای روشن شدن مبهمات آیه، حائز اهمیت تلقی می‌شود. چرا که در حدیثی

متواتر میان فرق مسلمانان، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«من در میان شما دو امر را باقی می‌گذارم، اگر آن دو را بگیرید و پیروی کنید هرگز گمراه نخواهید شد. نخست کتاب خدای متعال و دیگری اهل بیت من هستند. ای مردم، به گوش بگیرید که من به شما این مطلب را رساندم. همانا شما - در قیامت - در کنار حوض به نزد من می‌رسید و من درباره‌ی این دو از شما پرسش خواهم نمود که چگونه با آن دو امر گرانقدر رفتار کردید. آن دو مطلب گرانقدر کتاب خدای متعال و اهل بیت من هستند. از آنان پیشی نگیرید که نابود خواهید شد و به آنان چیزی نیاموزید چرا که آنان از شما آگاه‌تر و عالم‌تر هستند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۲۹۴) و نیز در بصائر الدرجات این روایت با اندکی تغییر آمده است. (صفار، ۱۴۰۴، ۴۳۴) از سوی دیگر به مدلول آیه‌ی تطهیر، حضرت فاطمه علیها السلام در شمار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند که همتای قرآن و ترجمان و مفسر آن در حدیث ثقلین معرفی شده‌اند. لذا جایگاه و شخصیت آسمانی حضرت فاطمه علیها السلام ایجاب می‌کند که با دقت و موشکافی به عبارت صادر شده از سوی ایشان توجه شود. پس از غصب خلافت امام امیرمؤمنان علی علیه السلام و نیز بیماری و صدمه‌ی آن بانو در ماجرای هجوم به بیت وحی و پس از غصب فدک در هنگام بیماری و نزدیک به شهادتشان در خطبه‌ی معروف به خطبه‌ی منزلیه بانوان عیادت‌کننده مدینه، را مخاطب قرار دادند. و در بخشی از کلام شریف خویش مردانشان را شماتت و سرزنش کرده، چنین می‌فرماید: «... لَوْ تَكَافَوْا عَنْ زَمَامٍ نَبَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَأَعْتَلَقَهُ وَكَسَرَ بِهِمْ سَيْرًا سُجْحًا ... وَ لَقَتِحَتْ عَلَيْهِمْ بَرَكَاتُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ ...». (ابن بابویه، ۱۳۳۸ ش، ۳۵۵؛ ابن طیفور، بی تا، ۲۰) «اگر مردم بر همان زمامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بسته بود می‌ایستادند و شکیبایی می‌کردند - زمامدار تعیین شده از سوی ایشان را می‌پذیرفتند - مرکب حکومت را افسار زده و آنان را به آسایش راه می‌برد ... و برکت‌های آسمان و زمین بر آنان گشوده می‌شد ...»

آن حضرت همان وعده‌ی الهی در آیه‌ی شریفه‌ی مورد بحث را در قبال مطلب دیگری عنوان کرده‌اند. یعنی به شکلی، شرط مطرح شده در آیه را در کلام خویش تفسیر کرده‌اند. ایمان و تقوای مورد نظر در آیه را سر سپردن به فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در پذیرش ولایت و رهبری امام امیرمؤمنان علی علیه السلام تفسیر فرموده‌اند و در ادامه تحقق وعده الهی را، نتیجه‌ی پذیرفتن فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد زمامدار پس از ایشان عنوان کرده‌اند.

اما توضیح این‌که چه رابطه‌ای میان آیه‌ی مذکور و توضیح حضرت زهرا(س) با وحدت امت

اسلامی برای برخورداری از وعده‌ی الهی برقرار است؛ نیز در کلام آن بزرگوار اشاره شده است. ایشان در کلام دیگری در توضیح این‌که ثمره‌ی پذیرش فرمان رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد زمامدار الهی پس از ایشان چه اموری خواهد بود، اتحاد و عدم اختلاف میان مردم را نتیجه‌ی این پذیرش عنوان فرموده‌اند: «أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ تَرَكَوْا الْحَقَّ عَلَىٰ أَهْلِهِ، وَاتَّبَعُوا عَتْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ، وَوَلَوْ رَثَّهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ، وَخَلَفَ بَعْدَ خَلْفٍ، حَتَّىٰ يَقُومَ قَائِمُنَا التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ۱؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱، ۱۹۸). «به خدا سوگند اگر حق - حکومت - را به اهل آن وامی گذاشتند و از خاندان پیامبر پیروی می‌کردند حتی دو نفر هم درباره‌ی - فرمان - خدا با هم اختلاف پیدا نمی‌کردند و این حق را آیندگان ما از گذشتگان به ارث می‌بردند تا آن‌که قیام‌کننده‌ی ما که نهمین از فرزندان حسین است به پا خیزد» ایشان تصریح می‌فرمایند که نخستین و بزرگ‌ترین ثمره‌ی این قبول و پذیرش، مرتفع شدن اختلاف از میان امت بوده است تا جایی که حتی دو نفر نیز باقی نمی‌ماندند که در امر دین الهی و فرمان خداوند با هم دچار مخالفت و تفرقه باشند و وحدت به معنای تمام و کمال آن در همه‌ی عرصه‌ها صورت می‌گرفت.

به هر روی، این کلام در موضوع وحدت و در تحقق وعده‌ی الهی از منظر قرآن مؤید پژوهش‌های انجام شده قرار می‌گیرد و اینک به برخی از ثمرات این پذیرش فرمان رسول‌مکرم اسلام در وحدت جامعه‌ی ایمانی حول محور رهبری الهی اشاره می‌شود.

۴-۱. وحدت ایمانی، دستور الهی

یکی از مهم‌ترین نتایج وحدت دست‌یابی به رضایت الهی از طریق بندگی و اطاعت او در وحدت پیرامون حجت‌های منصوب از سوی او و به ویژه پیامبر مکرم و خاندان برگزیده‌ی رسالت و در عصر حاضر نایب‌الامام است. با مراجعه به تفاسیر ذیل ماجرای سجده‌ی فرشتگان بر آدم علیه السلام، این حقیقت روی می‌نمایاند که نخستین امر به وحدت پیرامون خلیفه‌ی الهی، از سوی خداوند و در هنگام خلقت نخستین حجت و خلیفه صادر شده است. هنگامی که پروردگار جهان اراده فرمود تا آدم علیه السلام را خلق فرماید و انوار مقدس چهارده برگزیده‌ی از خاندان رسالت را در پیکر و مثال او ساکن گرداند، نخست اعلام فرمود که او خلیفه و جانشین پروردگار در زمین خواهد بود و بعد از خلقت آدم علیه السلام به همه‌ی فرشتگان فرمان داد تا بر او سجده کنند و در حقیقت اطاعت از او، محور بندگی و وحدت آفریدگان قرار داده شد. رسول‌گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره می‌فرمایند: «هنگامی که خداوند متعال آدم علیه السلام را آفرید، به فرشتگان فرمان داد تا بر او

سجده کنند و این تنها به خاطر ما - نور اهل بیت علیهم السلام که در صلب او قرار داشتیم - صورت گرفت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ۲۶۲)

خداوند، خود بزرگ‌ترین اکرام و بزرگداشت را نسبت به خاندان نور و ولایت آن‌ها در روز نخست آفرینش انسان برپا داشته است، لذا اهل بیت علیهم السلام به مناسبت‌های مختلف، این تعظیم و بزرگداشت را و بروز و ظهور قلبی، زبانی و رفتاری آن را معادل تسبیح و عبادت خداوند دانسته‌اند.

۴-۲. وحدت موجب رضایت الهی و جلب توفیقات الهی

وحدت حول محور اهل بیت رسالت علیهم السلام موضوعیت و نیز طریقت دارد، اثرات و برکات بسیاری بر آن مترتب است. لذا با تعمق در فرمان الهی وحدت روشن می‌گردد که وحدت حول جانشین برگزیده‌ی الهی، یکی از نشانه‌های رضایت خداوند متعال و برخوردارگی از دین او است و بیش از هر چیزی این وحدت، بروز خارجی یک باور قلبی و تظاهرات بیرونی یک حقیقت معنوی و فراتر از حیثیات مادی است. در حقیقت وحدت را می‌توان ملموس ساختن و محسوس نمودن واقعیت و حقیقت معنوی بزرگ جهان دانست که به شکل واقعی خود نمی‌شود در زندگی انسان‌ها حضور یابد و با قرار گرفتن در چنین فریضه‌ای، امکان و ظرفیت ارتباط ایجاد شده و علاقه و محبت به خداوند و اولیاء او افزایش می‌یابد و آن حقیقت فراحسی و معنوی که جدای از مکان و زمان است، در دسترس تعامل قرار می‌گیرد و قابلیت نمایش و نمود پیدا می‌کند.

از اخبار رسیده از مفسران و مترجمان کتاب الله استفاده می‌شود، که آثار این بزرگداشت با بسیاری از اعمال عبادی دیگر قابل مقایسه نیست. چرا که در این اطاعت از فرمان الهی، آبرو و وجهت خاندان نور در نزد خدای متعال به عمل اندک بندگان ضمیمه می‌شود و اجرها و پاداش‌های غیر قابل وصف و عظیمی را برای آنان به ارمغان می‌آورد. نگاهی کوتاه به ثواب‌ها و بهره‌های دنیوی و اخروی مترتب بر برخی اعمال ذکر شده در این حوزه از سوی پیشوایان پاک گواه این مطلب است، چرا که رضایت اولیای الهی و شفاعت آنان در درگاه پروردگار موجب افزون شدن عمل بندگان خداوند می‌گردد. به عنوان نمونه در خصوص وحدت پیرامون حجّت و ابراز محبت به خاندان وحی، گاهی برای قطره اشکی در مصیبت آن گرامیان وعده آمرزش همه‌ی گناهان یا برای زیارت ایشان ثواب هزاران حج و عمره مقبول و مشکور عنوان گردیده است.

اهمیت وحدت، به آن حقیقتی است که به آن اشاره و راهنمایی می‌کند و آن را در ارتباط با ما، نیابت و جانشینی می‌نماید. وحدت از دستورات دین و عبادت و بندگی خداوند و نیز نشانه‌ی پیروی

و اطاعت از خداوند است که رضایت او را به همراه خواهد داشت. به همین دلیل، وحدت آرمانی رابطه مستقیمی هم با اصل خلقت و هم هدف آن یعنی تسلیم و بندگی خداوند متعال دارد و از آن می‌توان به تجلی بندگی و نمایش هدف خلقت یاد کرد. که در گفتمان انقلاب اسلامی مورد تأکید امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (حفظه الله) بوده. و مهمترین رمز جهانی شدن و ضامن پیشرفت و تکامل نظام اسلامی و نقشه راه آینده درخشان انقلاب اسلامی است.

۳-۴. وحدت، رمز ارتباط قلبی

در اخبار بسیاری که از سوی صاحبان علم الهی و دانایان به حقیقت کتاب هستی در خصوص آفرینش سرشت و طینت انسان‌ها صادر شده است، تصریح شده که پیروان، دوستان و دوستداران خاندان رسالت علیهم السلام از طینت علیین آنان خلق شده‌اند. نکته‌ای بسیار ظریف که در این اخبار وجود دارد. این‌که آن گرامیان فرموده‌اند چون افرادی از طینت آنان خلق شده‌اند، پس دوستدار ایشان هستند. بلکه عنوان فرموده‌اند که چون دوست‌دار خداوند متعال و خاندان وحی بوده‌اند، خداوند طینت آنان را از همان طینت اهل بیت علیهم السلام خلق فرموده است.

در وحدت ایمانی، این دوستی و دوستداری قلبی به منصفی ظهور می‌رسد و بر ایمان و دوستداری آنان می‌افزاید. همان دوستی که از سوی اهل بیت علیهم السلام به مراتب علم و طهارت آنان نسبت به پیروان و محبین افزون‌تر از دوستی اینان به آن ذوات مقدس است؛ چنان‌که به آن چنین تصریح فرموده‌اند:

«عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَلَّغْنِي عَنْ عَمْرٍو بْنِ إِسْحَاقَ حَدِيثٌ فَقَالَ أَعْرَضَهُ قَالَ: دَخَلَ عَلَيَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَى صُفْرَةً فِي وَجْهِهِ قَالَ مَا هَذِهِ الصُّفْرَةُ؟ فذَكَرَ وَجَعًا بِهِ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا لَنَفْرَحُ لِفَرَحِكُمْ وَ نَحْزَنُ لِحُزْنِكُمْ وَ نَمْرُضُ لِمَرَضِكُمْ وَ نَدْعُو لَكُمْ فَتَدْعُونَ فَيُؤْمِنُ قَالَ عَمْرٍو قَدْ عَرَفْتُ مَا قُلْتَ وَ لَكِنْ كَيْفَ نَدْعُو فَيُؤْمِنُ فَقَالَ إِنَّا سَوَاءٌ عَلَيْنَا الْبَادِي وَ الْحَاضِرُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقَ عَمْرٍو». (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ۲۶۰) «ابوربيع گفته است: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: حدیثی از عمرو بن حمق به من رسیده است. فرمودند: آن را عرضه دار. عرض کردم: عمرو گفته است: امیرمؤمنان علی علیه السلام _ بر او _ وارد شدند و زردی‌ای در چهره‌اش دیدند. پرسیدند: این زردی چیست؟ عمرو یادآور شد به دردی مبتلا شده است. امام علی علیه السلام به او فرمودند: ما برای شادی شما شاد و برای اندوه شما غمگین و بخاطر بیماری شما بیمار می‌شویم؛ برایتان دعا می‌کنیم و بر دعای شما آمین می‌گوییم. عمرو عرض کرد:

آنچه فرمودید را فهمیدم. اما چگونه هنگامی که ما دعا می‌کنیم شما آمین می‌گویید؟ فرمودند: برای ما دور و نزدیک یکسان است. امام صادق علیه السلام فرمودند: عمرو راست گفته است). همچنین در خبری دیگر امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «... إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اَطَّلَعَ عَلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَا وَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا وَ يَبْدُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا وَ إِلَيْنَا». (استرآبادی نجفی، ۱۴۰۷، ق، ۶۴۱) (خداوند - همو که مبارک و متعال است - بر زمین التفاتی فرمود و ما را برگزید و برای ما پیروانی برگزید که یاری‌کننده‌ی ما هستند. به شادی ما شادمان می‌شوند و از اندوه ما اندوهگین می‌گردند. اموال و جان خویش را در راه ما و به خاطر ما می‌بخشند). از آن‌جا که وحدت حول محور رهبری اهل بیت علیهم السلام، از عبادت‌های بسیار بزرگ و موجب خشنودی خداوند متعال است، طبیعتاً اهل بیت علیهم السلام که حجّت‌های الهی هستند از آن خشنود و شادمان می‌شوند و چون این امر در ارتباط با خود آن بزرگواران و ابراز ارادت، محبّت و مودّت به ایشان و به نحوی ادای دین به ایشان است، آن گرامیان به ادب الهی بیش از همه سپاس‌گزار احسانند و هر اطاعت و خدمت‌گزاری را به توجّه بسیار جبران می‌فرمایند و این همراهی و پیروی را بی‌پاسخ نخواهند گذاشت.

۴-۴. وحدت و استیلای هدف‌ها

معمولاً در وحدت حول رهبری آن‌که خویش را مکلف به حضور قلب کند یا حالت انکسار، خشوع و انقطاع از غیر را متذکّر گردد، حائز آن است. این ویژگی‌های ذاتی در وحدت ایمانی نیز حضور دارد و زمینه‌ی تحقّق بسیاری از الطاف و عنایات ربوبی را برای گرایندگان به آن فراهم می‌آورد. چرا که وحدت ایمانی در هر رتبه‌ای (قلبی، زبانی و رفتاری) شهادت به همه‌ی اصول اعتقاداتی است که شیرازه و ستون دیانت الهی را شامل می‌شود و نشئت گرفته از محبّت و ولایت خداوند و اولیاء اوست. وحدت ایمانی، قبول و اداء آن پیمانی است که از سوی خداوند بر گردن بندگان نهاده شده است. بالتّبع این مطلب موجب خشنودی خداوند و برگزیدگان او خواهد شد و همه‌ی خیر دنیا و آخرت و اهداف جامعه در سایه‌ی خشنودی و رضایت پروردگار جهان در دسترس خواهد بود. اهل بیت علیهم السلام، و جانشینان برحق آن بزرگواران حضور قلب و خلوص نیت وجود دارد. مانند ویژگی‌های درخواست و دعا، که دعاکننده در حین خواهش و اظهار نیاز به پروردگار بدون جوهر و عصاره‌ی وحدت ایمانی، همان محبّت، مودّت و ولایت برگزیدگان الهی است و همه‌ی اخباری که در خصوص اثرات دنیوی و اخروی محبّت به ایشان صادر شده است،

شامل عاملین به وحدت ایمانی به نحو کامل‌تر و جامع‌تر صدق خواهد کرد. «عَنْ حَفْصِ الدَّهَّانِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فَوْقَ كُلِّ عِبَادَةٍ عِبَادَةٌ وَ حَبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَفْضَلُ عِبَادَةٍ» (برقی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۰) (امام صادق علیه السلام فرمودند: فرای هر عبادتی، عبادتی برتر وجود دارد و دوستداری ما اهل‌بیت برترین عبادت است). وقتی دوستی آنان برترین عبادات باشد، قطعاً ظهور و بروز این محبت در وحدت ایمانی نیز موجب برترین عبادت قرار گرفتن آن وحدت خواهد گردید و در نتیجه برترین اثرات دنیوی و اخروی بر آن مترتب خواهد بود. اخبار بی‌شماری که در آثار محبت اهل‌بیت علیهم السلام از سلامت دین و دنیا و عافیت دنیوی، برزخی و اخروی برشمرده شده، همگی در وحدت ایمانی حاضر و ثابت خواهد بود. بنابراین با اجرای شعائر دینی ذیل حمایت حاکمیت دینی ولایت فقیه در عصر غیبت در ابعاد و عرصه‌های گوناگون، مسیر پیشرفت و تکامل مجیرالعقول انقلاب اسلامی به سوی آینده‌ای روشن هموار شده و شرایط را برای ظهور حضرت مهدی (علیه‌السلام) فراهم خواهد نمود.

۴-۵. راز ماندگاری و استمرار نظام الهی

به خوبی روشن است که بسیاری از احکام اجتماعی اسلام، ناظر به سلامت جامعه و مصون ماندن ذهن و باور جمعی از گزند انحراف و تشویش‌های شیطانی است. چرا که در محیط سالم امکان رشد و بالندگی به سوی رستگاری و پاکی امکان‌پذیر است. و در پی سلامت روانی جامعه، معارف الهی امکان ترویج و شیوع پیدا کرده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد. از این رهگذر نقش سازنده، کلیدی و بی‌بدیل وحدت ایمانی به مفهوم خاص آن و نیز وحدت در مراتب بعدی روشن می‌گردد. و به طرق مختلف موجب استمرار انقلاب اسلامی می‌شود. که دو روش آن عبارت است از دشمن شناسی و خنثی سازی تهاجم فرهنگی او:

الف) وحدت، موجب دشمن شناسی

وحدت، در حقیقت نتیجه و ثمره‌ی عینی قبول ولایت خداوند و برگزیدگان الهی و بیزاری جستن از دشمنان و مخالفان آنان است و نیز البته در خلال این پیوستن است که رشته‌ی مودت و محبت به آنان مستحکم‌تر و آگاهی نسبت به گمراهی دشمنان آنان افزون‌تر می‌گردد. در وحدت بصیرت دینی نمود پیدا کرده و نیز موجب بینش فراتر و عمیق‌تر می‌گردد. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَوْثَقَ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ تُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَ تَعْطَى فِي اللَّهِ وَ تَمْنَعَ فِي اللَّهِ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ۱۲۵) (امام صادق علیه السلام فرمودند: از محکم‌ترین دست‌آویزهای ایمان آن

است که به خاطر خدا دوست‌بداری و به خاطر او دشمنی کنی. در راه او بیخشی و به جانب‌داری از او دست‌بازداری). پس از آن‌جا که وحدت ایمانی به خاطر دوستی خدا و دشمنی با دشمنان اوست، از محکم‌ترین دست‌آویزهای ایمان برای اهل ایمان و خداجویان است.

ب) وحدت، خشی‌سازی تهاجمات دشمن

وحدت ایمانی، برخاسته از ولایت خداوند، پیامبر و جانشینان اوست. و این ولایت همان دژ مستحکمی است که واردشوندگان در آن از آفات و بلیات در امان و در پناه امنیت و رعایت خدای متعال و برگزیدگان او هستند. این امنیت هم از انحطاط و انحراف در دنیا شامل حال آنان شده و هم در آخرت آنان را به سوی رستگاری و نعمت بی‌زوال بهشت هدایت خواهد کرد. به تجربه نیز این مطلب برای اهل ایمان دیده شده است که پناهندگان به آستان اهل بیت علیهم السلام از بسیاری فتنه‌ها و گرفتاری‌ها که چه بسا دیگران بدان مبتلا و دچار می‌شوند، برکنار و مصون و محفوظ هستند و می‌توان گفت که وحدت ایمانی، موجب بیداری قلب‌ها و تقویت ایمان‌ها می‌گردد. چرا که فرمودند: امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از لوح از قلم نقل فرمودند که خدای متعال می‌فرماید: ولایت علی بن ابی طالب دژ مستحکم من است. هر که در این دژ وارد گردد از آتش - مجازات - من در امان خواهد بود. (ابن بابویه، ۱۳۳۸، ۳۷۱)

نتیجه‌گیری

الف) برای حصول وحدت به سه رکن اجتماع، منشور مورد اتفاق و رهبر و محور وحدت نیاز است. و با آن‌که وحدت نسبت به جامعه‌ی مخاطب آن به اشکال مختلف و لایه‌های متعددی می‌تواند تقسیم شود و نیز بنا به زمان و شرایط ممکن است حتی نوع خاصی از آن در حال اضطرار راه برون رفت عقلانی و وحیانی برای جامعه از مشکلات و تنش‌ها و گرفتاری‌های مختلف باشد، اما آنچه متناظر با حصول وعده‌های الهی در قرآن است، نوع خاصی از وحدت ایمانی است که به آن وحدت آرمانی اطلاق گردید. رهبری در اتحاد ایمانی، و پیشبر اهداف اصلی آن نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. این وجهه از رهبری در طول بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی به خوبی ظهور و بروز داشته است.

ب) وحدت آرمانی دستوری الهی که اجرای آن رضایت او را به دنبال دارد و این رضایت منجر به حصول توفیقات گوناگون مؤثر در ارتقاء جامعه و باعث کیفیت بخشی به کارکرهای انقلاب

اسلامی می‌شود. سپس با استمرار وحدت موجبات استمرار نظام اسلامی فراهم می‌شود که در سایه آن دشمنان و بدخواهان شناسایی و نقشه‌ها شوم آنان نقش بر آب می‌شود.

کتابنامه:

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
 ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۳۸). معانی الأخبار، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
 ابن طاووس، ابوالقاسم علی بن موسی (۱۳۷۰ق). کشف المحجّه لثمره المهجّه، نجف: المكتبة الحيدرية.
 ابن طيفور، احمد بن ابی طاهر (بی تا). بلاغات النساء، قم: مكتبة بصيرتی.
 ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (بی تا). «الإمامة و السياسة»، تحقیق، طه محمد الزینی، بی جا، قاهره، مؤسسه الحلبي و شرکاه.
 استرآبادی نجفی، سید شرف‌الدین (۱۴۰۷ق). تأویل الآيات الظاهرة، قم: مدرسه الإمام المهدي ۷.
 برقی، أحمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۰ق). المحاسن، تصحیح، سید جلال‌الدین محدث، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
 بلاذری، أحمد بن یحیی (۱۳۹۴ق). انساب الاشراف، تحقیق، محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
 ثقفی کوفی، ابراهیم (۱۳۵۵). الغارات، تحقیق: جلال‌الدین محدث، تهران، چاپخانه بهمین.
 خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). کفایة الاثر فی النص علی الائمة، تحقیق، کوهکمری، قم: بیدار.
 خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره) (بیانات، پیام ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 رضوی، سعید (۱۳۷۶). «یگانگی امت اسلام در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام»، روزنامه همشهری، ۲۸ / ۱۰ / ۷۶.
 شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۲ق). نهج البلاغه، تحقیق، شیخ محمد عبده، قم: دارالذخائر.
 صفار، محمد بن حسن بن فروخ (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات، تحقیق، حسن کوچه‌باغی، تهران: منشورات الأعلمی.
 طبری شیعی، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق). المسترشد، تحقیق، شیخ احمد محمودی، قم، مؤسسه الثقافة الاسلامیة.

قاضی مغربی، نعمان بن محمد التیمی (۱۴۱۴ق). شرح الاخبار، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، تصحیح، محمدباقر بهبودی و ربانی شیرازی، بیروت: موسسه الوفاء.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار استاد شهید مطهری («الغدیر» و وحدت اسلامی) شش مقاله)، قم: صدرا.

منقری، ابن مزاحم (۳۸۲ق). وقعة الصفین، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره: المؤسسة العربیة الحدیثة.